

این پائین شهریه

اینکه این عمل را آنها انجام می دادند، یک نکته روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و نظرت خودش تنهایی ندارد.

امانتش غیر امتناهی است. و قوف نمی کند اما انسان، وقتی که اینطور است. اگر انسان اسیر همین

غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این امال او را و آن خواسته های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ میکند، او دیگر دربند این نیست که برای ملت کار بکند،

برای اینکه از طبقه مرفه است و از طبقه قدرتمند است و قدرتمندی هم و همینطور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن میکند که همه حیثیت ملت

و گنجینه های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یکسهم ناچیزی هم برای خودش قرار بگیرد. الان شما ملاحظه میکنید که قدرتهایی در دنیا هست

از حیث مال که اگر چنانچه اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم اگر بکنند از آنها اموالشان را تقسیم بکنند، تمام افراد

این ۳۶ میلیون مرفه میشوند و از طبقه به اصطلاح خودشان بالا میشوند. بکنند از آنها اینطور است لکن همان دارایی او به این اندازه بود از این آدمی که درویش سرمحل است

حرصش به دنیا بیشتر بود. حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر میخواست جمع بکند. هر چه مال اضافه بشود، حرص انسان اضافه میشود. هر چه قدرت اضافه بشود، حرص انسان به قدرت اضافه

میشود. و اگر مهذب نباشد. انسان، آن قدرت را برای خودش بکار میگیرد، وقتی برای خودش بکار گرفت و دولتهای بزرگی که هستند ابرقدرتهایی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا میکنند و این آدم قدرتمند را به ارباب و پیر

میدهند و این را به ما مقام میرسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخائر ملت را بچابد. شما ملاحظه وضع این ۵۰ سال بکندری بیشتر را بکنید که انتخاب کردند خارجی ها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب



* اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که بنظر

می آید در راس امور واقع است و آن اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش

هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند.

و همه اینها مردم از این طبقه متوسط و مادون

متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی بکفایت بزرگ در هر کشوری بکنند با او تفاهم می کردند که این بکنند برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش

فعالیت میکرد. او را می دیدند و ملت را می چاپیدند و با اصطلاح کدخدا را می دیدند و ده را می چاپیدند. هیچوقت قدرتهای بزرگ مواجه با

ملتها اگر شدند، نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم شدند. هر وقت که میخواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یک ریاست

جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی کرده از بین بردارند، در مقابل او بکفایت دیگری می تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می بردند. کار به دست ملت نبوده است و کار به دست طبقه متوسط و مادون متوسط نبوده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

من سالروز پیروزی انقلاب اسلام و دهه فجر را به همه ملت و همه مستضعفین جهان و شما آقایان که اسوه حسنه این ملت هستید تبریک عرض میکنم و از

خداوند تعالی توفیق همه را برای خدمت به بندگان خدا و ادامه پیروزی از خداوند تعالی میخواهم. اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک

انقلاب در یک امری است که بنظر میاید در راس امور واقع است و آن اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از

طبقه متوسط و مادون متوسط باشند. اساس سلسله ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است افراد مرفه و کسانی که سرمایه های بزرگ داشته اند، یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است، با دامن که مجلس و ارگانهای دولتی

ها و پاره‌ها و لیا ماهستند، ولی نعمت‌مایند

نیست مابین قدرتهای بزرگ با همهجه دولتی، بخواهند کودتا کنند، باکی کودتا کنند؟ بخواهند از خارج وارد کنند مواجه باکی میشوند؟ مواجه با یک ملتی میشوند که همهشان از این طبقه هستند که این نهضت را به پیش بردند و با آن قدرت و آن عظمت به پیش بردند آنها مطالعه امور را می کنند و اقدام می کنند. آنها الان درصدد این هستند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بعد میان اختلافات یک نفر پیدا بکنند که آن نفری که پیدا است در یکطرف واقع بشود آنهم بهش قدرت بدهند تا آنکه کم کم با قدرت داخلی این کشور کم کم ضعیف بشود مردم روحیهشان ضعیف شود و بعد تقدیم کنند به آنها.

تا کشور ما این مقام را دارد که بحمدالله از آن طبقه مرفه بالایی که امور را درست گرفته اند مبری هست و امور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشور ما به دست امثال این رئیس جمهورها و رئیس مجلس ها و نخست وزیرها و وزراء و کلا هست، شما مطمئن باشید که نخواهد توانست یک قدرت خارجی این پیروزی

مرفه به آن طبقه برسد. بدانید که اگر دولت اینطور باشد و اگر ملت اینطور باشد و اگر چنانچه مجلس و امثال اینها اینطور باشد، اگر یک قدرتی بخواهد همه کند و به اینجا، مواجه با سی میلیون جمعیت است و نخواهد توانست، نمی تواند آنوقت پیدا کند یک کسی که قدرتمند باشد و آن قدرتمند را وادار کند که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را برای آنها.

تاریخ همینطور بوده مادامیکه این ملت ها در بین شان افرادی پیدا نشده است که به آن مرتبه برسد، در بین آنها که قدرت مالی مالی قدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کند، نمیتوانند آنها این ملتها را از بین ببرند و حکومت برشان بکنند و بالاخره یک وقت یک ابر قدرتی مواجه با یک نفر، دزف، صد نفر، بانصد نفر هست که آنها را سیر میکند و آنها بجان مردم میافتنند و خودش هم کنار می نشیند و حکومت بالاتر را خودش دارد. حکومت پایین تر را با این آدمی که یا این آدمهایی که در این کشور هستند و اگذار میکند. اساس استضعاف ملتها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که

کردند و به او قدرت دادند و قدرت انطور دادند که تمام این ملت را استضعاف کشانید و حکومت جبار خودش را بر اینها قرار داد و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یک نفر بود و آنها آن یک نفر را دمس را می دیدند و کارهایشان را انجام می دادند

*** وقتی احساس می کنید که**

امتیاز دنیایی ندارید، این را باید شکر کنید و در شکرانه این نعمت خدمت به خلق بکنید و خدمت به احکام اسلام بکنید.

و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آنهمه افرادی که اطراف او بودند و همهشان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوش گذران و بالا بالاها با اصطلاح آنها باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن دوله ها و سلطنت ها و سلطنتی ها را نداریم و در دولت هم انطور دولتهایی که افراد مرفه سرمایه دار کذا باشند نداریم، در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذایی که املاک بی اندازه داشتند و آپارتمان های چندین طبقه داشتند، نداریم، این مملکت محفوظ می ماند، آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که دارید از مرتبه متوسط میغلطید به طرف مرفه و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکن پیدا بکنید، مردم باید توجه داشته باشند و اینطور افرادی که بتدریج ممکن است یکوقت خدای نخواسته پیدا بشود، آنها را سر جای خودشان نشانند. اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهی پیروزی که آمال همه است برسد، باید مواظب آنهاست که دولت را تشکیل می دهند، آنکه رئیس جمهوری است آنکه مجلس هست، مجلسی هست همه اینها را متوجه بکنند که مبدا یکوقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا و با اصطلاح خودشان

این پائین شهری ها و این پاره‌ها با اصطلاح شما اینها ولی نعمت ماها هستند، اگر اینها نبودند ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا، اینها بودند، که همه ما را از این مسائل نجات دادند.

را از بین ببرد و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شده، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، امروز بدانند علامت اینکه شکست بخوریم خود نمایی کرده از آنوقت باید جلویش را بگیرند، رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند باین مملکت خود مردم باید جلویش را بگیرند، مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسابلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکنند، بقیه در صفحه ۶۲

یک همهجه مجلسی دارید که از طبقه مرفه در آن هیچ نیست، آن طبقه ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما ملت ما ثروتمند می شوند ندارید حالا در دولت هم ندارید، یک همهجه ثروتمندانی و یکهمهجه قدرتمندانی ندارد دولت یکهمهجه قدرتی رئیس جمهور یکهمهجه قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند، یکهمهجه مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری او باشد، مادامیکه که این حد متوسط محفوظ است، این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله

این پائین شهریهها....

خود مردم باید جلوی را بگیرند. اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظ شان کنند.

یعنی حفظ کنند از اینکه خدای نخواستہ یک وقت قدمی از انور بردارند این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هرکس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مہذب کند. شمائی کہ می خواهید خدمت بہ این مردم بکنید و دولت کہ می خواهد خدمت باین مردم بکند و رئیس جمهور و امثال اینها کہ می خواهند خدمت باین مردم بکنند توجہ بکنند کہ خدمتگزارند. در دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند بہش کہ ما خدمت می خواهیم باین مردم بکنیم. مادر جمهوری اسلامی داریم زندگی می کنیم. جمهوری اسلامی کہ در اسلام مثل رسول اکرم (ص) مثل امیرالمومنین سلام اللہ علیہ برش حکومت کردہ اند. می خواهیم یک ہمچہ حکومتی باشند. یک ہمچہ حکومتی کہ کفش وصلہ خوردہ را میگوید. از این ریاست ہا پیش من ارزش بیشتر است، یاریاست ہا ارزش کمتر از این است. شما باید در روحیہ تان این مطلب را

امتیاز دنیایی ندارید. این را باید شکر کنید و در شکرانہ این نعمت خدمت بہ خلق بکنید و خدمت بہ احکام اسلام بکنید و برای اینہایی کہ اولیاء ما هستند این پائین شہری ہا و این پارہنہ ہا باصطلاح شما اینہا ولی نعمت ما هستند. اگر اینہا بودند ما یادرتبعید بودیم یا در جہنم بودیم یا در انزوا اینہا بودند کہ ہمہ ما را از این مسائل

هستند آن اشخاصی باشد کہ در سابق دارای قدرت ہایی بودند. اگر یک نفر از انہا پیدا کردید. محتاج بہ این است کہ از ما مزدگانی بگیرید. ولی میدانم کہ پیدا نمی کنید. از ہمین جمعیتند الان ہم اینہایی کہ جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت میکنند و اینہایی کہ در بین شہرہا و در بین روستاها حفظ میکنند شما

* آن روزی کہ ہریک از شماہا را ملت دید کہ دارید از مرتبہ متوسط

می غلطید بہ طرف مرفہ و دنبال این هستید کہ یا قدرت پیدا بکنید، یا

تمکن پیدا بکنید، مردم باید توجہ داشتہ باشند و اینطور افرادی کہ

بتدریج ممکن است یکوقت خدای نخواستہ پیدا بشود، انہا را سر جای

خودشان بنشانند.

و مردم را ہمین طبقہ هستند. این طبقہ اند کہ بہ ما الان منت دارند و از اول منت داشتند. ہمین ہا بودند کہ ہیچ توقعی ہم ندارند، ہیچ وقت ہم نمی آیند توقع کنند. شما باید توجہ بہ این معنی بکنید کہ ما را اینہا آوردند و وکیل کردند. آورده اند و وزیر کردند، رئیس جمهور کردند، اینہا ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خودمان را از ش قدردانی کنیم و خدمت کنیم بہ او و ہمینہا هستند کہ الان ہم حفظ این کشور را میکنند و حفظ نظام این کشور را می کنند. شما آقایان نمی توانید کہ بروید توی کوزہ ہا و عرض بکنم کہ خیابان ہا و انجا را اداره کنید. شما یک شان دیگری دارید یک شغل دیگری در خدمت دارید انہم یک شغل دیگری دارند. اما شغل انہا انطور است کہ شما را ہم حفظ میکنند و من امیدوارم کہ این روحیہ در این ملت باقی باشد و با این روحیہ کہ سربازہای ما دارند و پاسدارہای ما دارند و اینہایی کہ حفاظت این کشور را می کنند، این روحیہ را دارند کہ روحیہ بسیار ارزشمندی است و شہادت طلبی است و خود را بہ حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور خداوند این روحیہ را بہ ہمہ عنایت کند و مادامی کہ این روحیہ هست و آن مسئلہ ای کہ قبلا عرض کردم هست، مطمئن باشید کہ این کشور بیمہ است و ہرگز نخواہد آسیب دید. خداوند انشاء اللہ بہ ہمہ شما، ہمہ ما توفیق خدمت بخلق و عبادت خدا کہ خدمت بہ خلق ہم از بزرگترین عبادت ہای الہی است، عنایت فرماید و شکرسانی کہ می خواهند این کشور را و مسلمین را باز گردانند بحال انزوا یا بحال تحت سلطہ بودن، انہا را یا اصلاح و یا اعدام فرماید. والسلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ

نجات دادند و ہمہ ما را آوردند و نشانند بہ جایی بہ خیال خودمان جایی است. باید ملتفت باشید کہ اقا، شما همان آدمی هستید کہ تو حبس بودید و شما همان آدمی هستی کہ در تبعید بودی و شما همان آدمی بودی کہ در انزوا بودی. این مردمند کہ آمدند ما را آوردند بیرون از ہمہ اینہا و ما اگر تا آخر عمرمان بہ اینہا خدمت بکنیم نمی توانیم از عہدہ خدمت اینہا برائیم. خداوند بما توفیق بدهد کہ ما یک خدمتگزاری برای اینہا باشیم و بہ این

اگر ملت می خواهد کہ این پیروزی تا آخر برسد و بہ منتهی پیروزی کہ آمال ہمہ است برسد باید مواظب اینہائیکہ دولت را تشکیل میدہند، آنکہ رئیس جمهور است، آنکہ مجلس است ہمہ اینہا را توجہ بکنند کہ مبادا یکوقتی از طبقہ متوسط بہ طبقہ بالا و باصطلاح خودشان مرفہ، بہ آن طبقہ برسد.

* اساس استضعاف ملتہا از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بودہ و شما شکر کنید کہ یک ہمچہ مجلسی دارید کہ از طبقہ مرفہ در آن نیست، آن طبقہ ای کہ اگر مالش را تقسیم کند بین ملت، ملت ما ثروتمند میشوند.

نعمت موفقی بشویم. شما امروز ہم کہ ملاحظہ می کند، اینہایی کہ در جیبہ ہا الان دارند جانفشانی میکنند اینہا از کدام طبقہ هستند؟ شما اگر پیدا کردید در تمام اینہا یک نفری کہ مال آن اشخاصی باشد کہ دارای سرمایہ ہای بزرگ

حفظ کنید و مردم ہم باید مواظب شما باشند و مواظب ہمہ اینہا باشند و ہریک از ما و شما و ہمہ خواستیم کہ از آن راہی کہ اسلام داشتہ است از اول راہی کہ داشتہ است و از آن طریقہ ای کہ انبیاء داشتہ اند ما بخواہیم عبول کنیم. آنروز نمونہ شکست اسلام پیدا میشود و تا یک ہمچہ مسئلہ ای پیدا نشدہ، پیروزی درجای خودش شک نکند کہ هست البتہ برای خدا باید باشد. شما برای خدا در این مجلس حالا آمدید. وقتی مجلس این طور است کہ یک امتیازی نیست کہ حالا وقتی شما رفتید توی بازار مردم کنار بروند کہ رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست وزیرش ہم ہمینطور است. این جور نیست کہ وقتی توی مردم برود مردم فرق بگذارند با ہم و ہمہ اینہا اینطور هستند وقتی یک ہمچہ مطلبی را دارید احساس میکنید کہ